

مهرج
ریشوادان
اشعار

شاعر: مهرج شادان
مصحح: مهدی رضایی

www.ketab.ir



سرشناسه: شادان، مهراج
 عنوان و نام پدیدآور: دیوان اشعار مهراج شادان، سروده ی مهراج شادان، به کوشش مهدی رضایی
 مشخصات نشر: نجف آباد: انتشارات مهر زهرا(س)، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۲۲۹ ص: مصور (بخشی رنگی)، جدول، نمودار.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۷۷-۷۳-۰
 وضعیت فهرست نویسی: نیامده
 یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شناسه افزوده: رضایی، مهراج، ۱۳۵۳، مصحح
 یادداشت: واژه نامه.
 یادداشت: کتابنامه.
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۷۴۲۲۲



نام کتاب: دیوان اشعار مهراج شادان
 سراینده: مهراج شادان
 مصحح: مهدی رضایی
 صفحه آرا: مولود علیان
 طرح جلد: مینا خلیلی
 ناشر: موسسه انتشارات مهر زهرا(س)
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۷۷-۷۳-۰
 شمارگان: ۱۰۰۰
 توبت چاپ: اول
 قطع: رقعی
 قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

مرکز بخش و نشر: نجف آباد، ابتدای خیابان ۱۵ خرداد جنوبی، پلاک ۸
 کد پستی: ۸۵۱۸۶-۵۸۸۶۸
 فکس: ۰۳۱-۴۲۶۱۸۸۷۲
 پیامک: ۳۰۰۰۸۸۰۶۶۴۹۱۹
 تلفن: ۰۳۱-۴۲۶۱۸۸۷۱
 همراه: ۰۹۱۳۳۳۴۹۱۹
 www.mehrezahra.ir
 info@mehrezahra.ir

۹	مقدمه
۲۷	فصل اول: کلیات تحقیق
۲۹	بیان مسئله
۳۰	اهداف تحقیق
۳۰	روش تحقیق
۳۱	فصل دوم: متن غزلیات دفتر اول و دوم
۳۳	دفتر اول
۱۲۲	دفتر دوم
۲۲۳	فصل سوم: نتیجه گیری و پیشنهاد ها
۲۲۵	نتیجه گیری
۲۲۶	پیشنهاد ها
۲۲۷	منابع

مقدمه

۱- درباره شادان

نسخه اصلی دیوان شادان متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مجلس سنای سابق) است و در فهرست نسخ خطی آن کتابخانه، ج. ۲ صفحات ۶۱۴ تا ۶۱۵ مطالبی نقل شده است که در این جا بدان اشاره می کنیم: «شادان تخلص شاعری است که وزیر یکی از پادشاهان هند ظاهراً موسوم به مهاراجه چند و لعل بهادر بوده و از ماده تاریخی که برای تعمیر پلی ساخته

است معلوم می گردد که در نیمه اول قرن ۱۳ می زیسته و آن این است:

ز سعی راجه چند ولعل از سابق بود بهتر
ز سیل اینک بود محفوظ چون اندر صدف گوهر

به عهد شاه اسکندر بشد تعمیر پل یکسر
به شادان شد ندا (جای غربی) بهر تاریخش

دیوان او شامل حدود ۴۸۸۸ بیت غزل و ترجیع بند و غیره در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. غزلیات او بجز همین اشاره دهخدا در تذکره های دیگر فارسی، حرفی از شادان به بیان نیامده است. در کتب تاریخ ادبیات و تذکره ها و کتاب های زیادی که بررسی شد، از جمله مجمع الفصحاء، شمع انبیا، فرهنگ سخنوران، الذریعه و فهرستواره دستنوشته های ایران (دنا) اشاره ای به نام شادان نشده است. بنابراین اطلاعات ما محدود به همین مطالب است.

۲- غزل در دیوان شادان

دیوان شادان مشتمل بر ۶۴۷ غزل است. تعداد ابیات غزل های شادان غالباً بین ۳ تا ۱۰ بیت در هر غزل است، مخاطب غزل ها یا صریحاً معشوق است یا خداوند و یا ممدوح. بنابراین غزل های او به چند دسته قابل تقسیم بندی است:

۲-۱ غزل های عاشقانه

در این غزل های عاشقانه دو نوع معشوق در برابر ما قرار دارد؛ الف. معشوق زمینی: این معشوق، همان معشوق معمول غزل های فارسی است که در زیبایی مثال ندارد و نهایتاً عاشق را کامیاب می نماید:

بنا میزد ز وصل او بگشتم شادمان امشب
 نصیب شد وصال یار رفت از من گمان امشب
 نگار آمد به زیبایی چو ماه نو عیان امشب
 مرا بخشید یار من چو عیش جاودان امشب
 نهان این راز کی ماند گر آید او نهان امشب
 خوشا بختم که دیدم خود مکان لامکان امشب
 چو کار دل بر آمد باش شادان کامران امشب (دفتر اول غزل ۲۷)

عروس تو حنا بر دست آمد میهمان امشب
 تعالی الله خوشا بختم که شد کام دلم حاصل
 به روز عید حاصل شد دگر ای دل چه می خواهی
 جدا یک دم میباید دلبر من از کنار من
 چو خورشید از درون ابر ماند کی نهان گردد
 مکان لامکان باشد خیالم در هوای او
 نورایا یار خود کار است غیر از وی چه می خواهی

ب. معشوق آسمانی: در این نوع، شاعر عمدتاً بیقراری های خود را از هجر معشوق بیان می کند، او خود را موجودی منفعل در برابر معشوق می بیند و معشوق را مختار مطلق می داند که هر چه می خواهد با عاشق می کند. معشوق نام عاشق را در انتظار خود رها می کند و عاشق برای تحمّل هجر وی به باد خوش گوار پناه می برد:

مگذار در انتظار ما را
 ای روی تو لاله زار ما را
 آمد به نظر بهار ما را
 خوش آمده این دیار ما را
 با غیر صنم چه کار ما را
 ساقی بنشان خمار ما را
 کرده است چو کردگار ما را (دفتر اول غزل ۲۵)

در هجر تو کی آرام ما را
 پژمرده شد ز روت گلشن
 هر سو که جمادات یار دیدیم
 جایی است ز بس که عشق انگیز
 چون نقطه ز عین دور که بیم
 زان باده که خوشگوار باشد
 از بهر فلاح، خلعت شادان

۲-۲ غزل های عارفانه

من ساجدیم من آن دلدار را
 در هر دم بار کی اغیار را
 کی بود پروان ما آن یار را؟
 رو نمایی طالب دیدار را؟
 جسره ای در غریبه سرشار را
 گریه دست آری غبار را
 از سر خود دور که غبار را
 قاش تشوان کرد این اسرار را
 فکر او کن دور کن افکار را (دفتر اول غزل ۳)

در نظر دارم جمال یار را
 دوستان را دوست می دارد ز دل
 لایالی چون بود درگاه او
 یقراری دارد اندر اشتیاق
 ساقی تا از خودی بیخود شود
 پس مریخ شد تورا سیر چمن
 چون تکبر مانده حسرت بود
 چون که گفته مولوی در برده راز
 به از این شادان متاعی نبی دگر

۲-۳. غزل های مناجاتی

در این غزل ها شاعر خداوند مورد خطاب قرار می دهد و از او درخواست مغفرت می نماید:

خداوندا گنهکارم ببخشا نه جای دم زدن ما را است این جا (دفتر اول ب. ۱۲۳)

در بین غزل های مناجاتی شادان، غزل طلب باران وی جالب توجه است که از بیت ۹۵۳ تا بیت ۹۶۷ را در بر دارد:

جرم های ما بود پس بی شمار
گشته ام مدهوش فرما هوشیار
یا الهی اکا شوم من رستگار
تا به کی استاده ای اینک بیار
انتظارات انتظارات انتظار
رحم بنما این زمان ای کردگار
پرورش فرما تو ای پروردگار
خلق را امید کی گردد بهار
حاجت امیدواران را بر آر
طفل را گری مادر آرد در کنار
چون صدف در بطن رحمت مان بدار
رو نگردانی ز حال من زینهار
بخش جایی کرد باران بر دیوار ب-۳۲
تا سراپا بساز گردد کوهسار
هست زمان از مهلک ارا (دفتر اول، غزل ۱۴۲)

بر گنهکاران من ای کردگار
غفلت از چشم نرفد رخواب خوش
کرد آلود من چشم روزگار
بر سر عالم تو ای پرور رحمتی
چشم عالم بر رحمت مانده است
گر نغمه ای کرم دل من طبع
نام تو غفار و ستار استاده
موسم باران رسید از هر آید
بر درت هر کس که آمد به امید
این عجب نبود که خود خوی دل است
ما که چون طفلیم در دامان تو
چون پناهی نیست جز تو یار من
یا الهی رحم فرما بر جهان
آنقدر باران ببارد هجر طسرف
بر درت هر کس که دیدم با امید

۲-۴. غزل های مدحی:

گاه شاعر مخاطب غزل را شاه و یا ممدوح قرار می دهد و مدیحه سرایی می کند، اما به نظر می رسد که در کار مدح خیلی اهل مبالغه نیست، مداحی هایش ملایم و منطقی هستند:

چه سان مازم بیان اعمال خود را
که را گویم بگو احوال خود را
دریغ از من مدار افضال خود را
رسایی نیست قیل و قال خود را

تو دانایی چه گویم حال خود را
اگر تو نشنوی پس چون نمایم
چو من خو کرده نازم ناز بردار
در آن جایی که عقل و هوش گم شد

به نیکویی بدیدم فال خود را
چو یاور دیده ام اقبال خود را
نثار او نمایدمال خود را (دفتر اول غزل ۲)

تفال کردم از دیوان حافظ
ز لطف شاه اسکندر در این دور
چو مال و ملک بخشید او به شادان

۳- ادبیات تعلیمی در شعر شادان

در غزل های شادان پند و اندرزهایی هم دیده می شود که از نظر ادبیات تعلیمی قابل توجه است:

- پرهیز از خودپسندی و خودبزرگ بینی:

چون تکرار مایه حسرت بود از سر خود دور کن پندار را (دفتر اول ب. ۲۱)

- توصیه به ادب و آموختن:

پیش ادب آموز بنشین - دب آمو - شادان تو اگر خواهی تحصیل ز مکتب ها (دفتر اول ب. ۱۳۱)

- خیرخواهی و خیررساندن به خاتم:

حصول زندگی تو همین است شادان - خیر توانی اگر به هر محتاج (دفتر اول ب. ۵۷۷)

- اغتنام فرصت و وقت شناسی:

هان وقت را از دست مده باش هشیار - ناید به دست چو تیر از کمان گشت (دفتر اول ب. ۳۹۹)
به پیری هیچ از دست نیاید - بکن کاری دلا گاه شباب است (دفتر اول ب. ۴۱۴)

- به خدا پناه بردن:

مترس از کینسه ورزی های اعدا - پناه تو که چون پروردگار است (دفتر اول ب. ۴۰۴)

- پرهیز از پرداختن به دنیا:

لذت دنیا اگر چه هست شیرین تر ز شہد پای خود ہرگز منہ در شہد دنیا چون مگس (دفتر اول ب. ۱۰۸۹)

- پرداختن به ہنر و عزت یافتن بہ آن:

بکوش تو بہ ہنر تا کہ عزت باشد ہمیشہ خوار و ذلیل است بی ہنر محتاج (دفتر اول ب. ۵۷۴)

- پرهیز از غفلت:

برخیز! ز غفلت برو دست تو از دست در صبح دعاها اثری داشته باشد (دفتر اول ب. ۶۶۰)

- پندپذیری از پیران، کار بپہودہ نکردن:

ز قول بزرگان ہمی پند گیر نو کاری مکن کت نیاید بہ کار (دفتر اول ب. ۱۰۰۸)

- پرهیز از دل کسی را شکستن:

دلا ہرگز دل کس را میازار بجز کسی کہ تا گم است بازار (دفتر اول ب. ۱۰۳۰)

- توصیه بہ مردم داری:

خدا با خلق و خلقی با خدایند شنو بندگانم دل عالم بہ دست آر (دفتر اول ب. ۱۰۳۱)

- حد خود دانستن:

پند ناصح را مگر نشنیدہ ای ہمان مکن از حد خود پارا دراز (دفتر اول ب. ۱۰۶۲)

- توصیه به عیب پوشی:

عیب باشد عیب دیگر را شمردن پیش کس شکوه‌ای از کس مکن کن پیش مادر کار نیست (دفتر اول ب. ۱۸۲)

- توصیه به ضعیف نوازی:

بر ضعیقان لطف می باید که یارانت شوند بر ضعیقان این قدر جور و جفا در کار نیست (دفتر اول ب. ۱۸۳)

- ارزش آائل شدن برای مهمان:

هر آنچه بایست و شاید دریغ هیچ مدار بیاید ارباب به در تو ز دور مهمانت (دفتر اول ب. ۱۹۸)

- توصیه به پارسا از طهارت نیاز به مردم:

به در این و آن مرو هرگز به دگر ملتجی شدن ننگ است (دفتر اول ب. ۲۰۲)

- توصیه به بخشندگی و کرم:

ز نهار مشو مثل درختی که به صد عیب بی باز درختی است هر آن کس که کرم نیست (دفتر اول ب. ۲۸۰)

- توصیه به امانت داری:

پندی است ز ارباب هم گوش بیاید ز نهار مکن جای امانت رنجان، (دفتر اول ب. ۳۲۲)

۴- سبک شعر شادان

به نظر می رسد که سبک شاعری شادان، سبک هندی است ؛ چرا که ویژگی های این سبک در شعر وی به فراوانی دیده می شود. شمیسا معتقد است که ارزش شعر دوره بازگشت این است که نقاوه و خلاصه ای

از همهٔ سبک‌ها و جریان‌ات مهم ادبی دوره‌های قبل است (شمیسا، ۱۳۸۲: ۳۱۹). شعر شادان از این نظر ویژگی‌های زیادی از زبانی سبک خراسانی دارد و برخی از ویژگی‌های فکری سبک عراقی را دارد حتی می‌توان گفت که ظرافت و نازک خیالی شاعران سبک هندی را می‌توان در شعر او ملاحظه کرد.

۴-۱ سطح زبانی

- به کار بردن پیشوند فعلی «همی» به جای «می»:

بلبل همی صدا زنا از شاخ گل رسید داده است آبروی چمن آبروی شاخ (دفتر اول ب. ۵۹۰)

- به کار بردن «بد» به جای «در»:

بهاری آن چنان در هر چمن شد به خوبی چون عقیق اندر یمن شد (دفتر اول ب. ۸۰۶)

- در برخی کلمات صورت قدیم را به جای صورت نو نوشته شده است، مانند: خرسند

ز بوی زلف معنیر دلم بود واله زلف‌ها را تو نشان همیشه خرسند است (دفتر دوم ب. ۳۵۴)

- گاهی شاعر التقای ساکنین را که از ویژگی‌های سبک خراسانی است، به کار برده است:

در جوف صدف مجوی زنه‌ار در سینه نهان است گوهر و (دفتر اول ب. ۴۶)
از این و آن گذشته از آن یار شوخ چشم شادانست منتظر که نگاهی به ما کند (دفتر اول ب. ۷۳۹)

- «م» به جای «ن» برای منفی کردن افعال:

در هجر تو کی قرار ما را مگذار در انتظار ما را (دفتر اول ب. ۳۱)

- کاربرد «بد» به جای «بود»: پیش از این بوده و خواهد بد و اکنون هم هست (ب. ۱۸۷)